

نظری ترجمه

«تایخ مل و دول اسلامی»

(تألیف کارل بروکلمان - ترجمه دکتر هادی جزایری - از
انتشارات ینگاه ترجمه و نشر کتاب - شماره ۲۷۰ مجموعه
ایران شناسی شماره ۳۶ وزیری ۱۷ + ۸۰۲ ص) .

«کارل بروکلمان» (۱۸۶۸ - ۱۹۵۶) مستشرق آلمانی، استاد زبانهای
سای دانشگاه برسلو، استاد شرقیات دانشگاه هاله (آلمان شرقی)، از بزرگترین
سای شناسان زمان خود بوده و بر زبان و ادبیات عربی تسلط داشته است ؛
تألیفات بزرگ او : لغت نامه سریانی (۱۸۹۳) ، دستور تطبیق زبانهای سای
(۱۹۱۳ - ۱۹۰۸) ، تاریخ ادبیات عربی (۱۹۰۲ - ۱۸۹۸) و نحو عبری
(۱۹۵۶) است . عیون الاخبار ابن قتیبه را نیز تصحیح و منتشر کرده است .

کتاب مورد بحث یکی دیگر از تألیفات مشهور او است که اصل آن
به زبان آلمانی است ولی به واسطه اهمیت و ارزشی که دارد به زبانهای فرانسوی
(به وسیله Tazerout استاد مدرسه عالی شارلمانی) و انگلیسی (به وسیله ژول کار
میکائیل و موشه پرلمان) و عربی (به وسیله نبیه امین فارس و نیر البعلبکی) ترجمه
شده است .

و امکانات حمل و نقل و بازاریابی می‌گردد .

البته محصول این‌گونه مطالعات و بررسیها هرچند مورد استفاده قرار می‌تواند گرفت و برای مطالعات علمی بعدی سودمند است چون از جانب متخصصین علم جغرافیا انجام نگرفته است و ممکن است از وصف علمیت بهره‌مند نباشد نمی‌توان کاملاً مورد اعتماد و اطمینان قرار گیرد . پیشرفت تخصص در شعب علوم و فنون امروزه مقتضی آنست که امور مربوط به جغرافیا نیز به توسط و مباشرت متخصصان این علم انجام گیرد .

که خواننده از نویسنده‌ای محقق و مشهور چون بروکلان توقع دارد فاقد باشد. مطالعه کتاب معلوم می‌دارد که مؤلف در قسمتهائی که به منابع بیشتری دسترسی داشته بیشتر به بحث و گفتگو پرداخته و در پاره‌ای از فصلها، به احتمال زیاد به واسطه عدم منابع لازم، به اختصار سخن گفته است. می‌توان به عنوان شاهد سخن، فصل اول از قسمت اول را با فصل ششم از قسمت دوم مقایسه نمود. ممکن است گفته شود که این نقص - اگر بتوان آنرا نقصی به شمار آورد - علل دیگری داشته است. مثلاً تصور کرد اهمیت زیادتری که برخی از قسمتها داشته شرح و بسط بیشتری را ایجاب کرده است. به هر حال ارزش و اهمیت کتاب خیلی بیش از اینهاست که بتوان با انگشت گذاشتن بر روی این قبیل مطالب و نقائص و اشتباهات دیگری از قبیل نسبت دادن پاره‌ای مطالب به پیغمبر اسلام بدون ارائه مدرک، و فقط از روی حدس و گمان و نظر شخصی - چنانکه شیوه پاره‌ای از خاورشناسان است - از ارزش و اهمیت بسیار کتاب کاست. با اینکه تصور می‌رود کتاب بیشتر به این منظور نوشته شده است که اطلاعاتی در باره ملل و دول اسلامی در دسترس غربیها قرار دهد برای ما مسلمانان نیز به همان اندازه مفید و مهم است؛ چه اولاً کتابی چنین جامع که شامل اطلاعاتی در باره همه ملل و دول اسلامی دوران گذشته و زمان حاضر باشد در دسترس نداریم، مزیداً بر این که بعضی از اطلاعاتی که این کتاب به دست می‌دهد لااقل برای ما ایرانیان تازه است مانند ظهور زنی بنام «لالافاطمه» به عنوان پیغمبر در الجزایر و جنگ او با دولت فرانسه (ص ۵۵۴)؛ ثانیاً بدین وسیله از نظریات و عقاید یکی از خاورشناسان بزرگ در باب عقاید و تاریخ اسلامی آگاه می‌گردیم و این نظریات که تاحدی از تعصبات - بیشتر در مورد تاریخ نه عقاید دینی - به دور است برای ما دارای ارزش است.

آنچه به این کتاب ارزش و اهمیت می بخشد دقت نظر و احاطه خاص خاورشناس گرانقدر آلمانی است که «بامطالعه منابع متعدد توانسته است علاوه بر بیان سرگذشت ملل و دول اسلامی از آغاز تاکنون، تاریخ اجتماعی، سنن و آداب و رسوم، نهضتهای مذهبی و سیاسی، اوضاع ادبی و علمی و صنعتی آنان را در گذشته و حال تا آنجا که صفحات محدود کتاب اجازه می داده بیان کند و اثری جامع که نظیرش را در بین کتابهای مشابه نتوان یافت در دسترس طالبان بگذارد»^(۱).

واضح است که تألیف کتابی شامل تاریخ همه جانبه کلیه ملل و دول اسلامی از آغاز تا امروز خالی از صعوبتی نیست؛ زیرا اولاً عنوان «ملل و دول اسلامی» کشورها و مردم بسیاری را دربر می گیرد که لافل برخی از آنها مانند ایران تاریخ مفصلی برای خود دارند؛ ثانیاً هنوز بیشتر این کشورها فاقد تاریخ صحیح و دقیق و مدوّنی می باشند. بنابراین از یک سو وسعت موضوع و از سوی دیگر فقدان منابع مورد نیاز اشکال تألیف چنین کتابی را روشن می سازد. بروکلان با توجه به این نکته ها در مقدمه گوید «نگارش و تدوین تاریخ ملل و دول اسلامی از آغاز تا امروز کاری بس دشوار است زیرا در این باره نمی توان به همه منابع لازم دسترسی پیدا کرد و از این رو تلخیص و تلفیق آنها برای کاری انتقادی نیز امری مشکل و از قدرت یک تن بیرون است»^(۲).

شاید همین وسعت موضوع و در دسترس نبودن مدارک و مآخذ لازم و کافی - خصوصاً در بعضی از موارد - موجب شده که کتاب، آن یکدستی را

(۱) کتاب حاضر . ص ۱۵ .

(۲) کتاب حاضر . ص ۱۷ .

ادبیات در دوران بنی عباس، پسران هارون الرشید، نهضت علمی در دوران بنی عباس، الهیات در عهد بنی عباس، المعجم و بنای سامره. فصل دوم انحطاط خلافت و پیدایش سلطنتهای کوچک مشتمل بر: خلفای بی شخصیت و انقلاب غلامان، طوائفی ها در مصر، قرامطه عربستان، تجمل دربار و نهضت صوفیه، آل بویه طبرستان، اغلی های افریقا، فاطمی های مصر. فصل سوم، ایرانیان و ترکان مشتمل بر: اصل ترکان، سامانیان، ایرانیان غزنوی (?)، ترکان سلجوقی، حشیشی ها. فصل چهارم، اسلام در اسپانی و افریقای شمالی، مشتمل بر: امرای اسپانی در قرن نهم، خلافت عبدالرحمن سوم، سلسله عامری و انقراض خلافت اندلس، تمدن بنی امیه در اسپانیا، مرا بطین در شمال افریقا، حکومت موحدین، بنی نصر در غرناطه. فصل پنجم خاور نزدیک در زمان صلیبیون و آغاز حکومت ممالیک در مصر، مشتمل بر: سلطنت نورالدین، سلطنت صلاح الدین ایوبی، سلطنت بیبرس، سلطنت ممالیک. فصل ششم، ترکان و مغولان و پایان خلافت مشتمل بر: خوارزمشاهیان، حمله مغول، غازان و وزیرش رشیدالدین.

قسمت سوم، ترکان عثمانی یا جلوداران قشون اسلام، در چهار فصل اول، آغاز امپراطوری عثمانی و توسعه آن تا زمان سلیمان اول مشتمل بر: رقابت میان سلجوق، غازی و عثمانی ها، نخستین تشکیلات دولت عثمانی، پیروزی های مراد در بالکان، عثمانی ها در مقابل تیموریان، بازماندگان تیمور، جنگ های برادر کشی، محمد دوم و فتح قسطنطنیه، مسجد سلطان محمد، سیاست جنگی محمد، سیاست صلح جوئی بایزید، سلیم باوزو تصرف مصر، سلیمان و اوج ترقی امپراطوری عثمانی. فصل دوم، تمدن عثمانی در اوج ترقی امپراطوری مشتمل بر: ارتش و قوای دریایی، سازمانهای اداری قدرت روحانیون، علوم

نگاهی گذرا به فهرست مطالب و موادی که در این کتاب گرد آورده شده اهمیت و ارزش آن را به خوبی روشن می‌سازد و نیز معاموم می‌دارد که نویسنده تا چه حد به هدفی که داشته نزدیک گردیده است. هدف مؤلف از جملاتی که در مقدمه آورده آشکار می‌گردد، می‌نویسد: «... امروز مردمی که به مسائل سیاسی جهان علاقه دارند خواستار آنند که اطلاعاتی کلی در باره حکومت‌های اسلامی که در عصر حاضر بیش از هر زمان دیگر در تحول جهانی نقش مهمی دارند داشته باشند و البته این اطلاعات را جز به صورت پراکنده در دائرة المعارفها و توارخ عمومی نمی‌توان یافت» (ص ۱۷ مقدمه). کتاب از پنج قسمت ترکیب یافته.

قسمت اول، ظهور اسلام تا پایان خلافت بنی‌امیه در پنج فصل. فصل اول عربستان پیش از اسلام مشتمل بر وضع طبیعی و جغرافیایی، جامعه عرب، سیاست، مذهب، شعر. فصل دوم رسالت محمد رسول الله مشتمل بر: ناراضی از بت پرستی، بانی اسلام، واضح جهاد، سالهای آخر زندگانی پیغمبر. فصل سوم محمد و تعلیم او، مشتمل بر: قرآن، اصول دین و اخلاق مذهبی، اخلاق اجتماعی پیغمبر. فصل چهارم خلفای راشدین مشتمل بر: خلافت عمر، خلافت عثمان، خلافت علی. فصل پنجم خلافت بنی‌امیه، مشتمل بر: فتوحات معاویه، جنگ داخلی، خلافت عبدالملک، خلافت ولید، نهضت خوارج، اصلاحات مالی عمر (دوم)، زندگانی دربار در دوران بنی‌امیه، خلافت هشام، شعر در دوره ولید دوم، انقراض بنی‌امیه در شرق.

قسمت دوم، امپراطوری جهان اسلام و انحطاط آن در شش فصل. فصل اول نخستین خلفای عباسی مشتمل بر: خلافت منصور و بنای بغداد، خلافت مهدی و بازرسی‌های مذهبی و انگیزه‌اسیون (کذا)، خلافت هارون الرشید،

مرکزی و شرقی . فصل پنجم . ایران و افغانستان در قرن نوزدهم مشتمل بر : سلسله قاجار ، جنبش مذهبی باب ، بهاء الله ، اختلاف روس و انگلیس در شرق ، انقلاب ملی و استقلال ایران

قسمت پنجم ، تجدید سازمان کشورهای اسلامی بعد از جنگ ۱۹۱۸-۱۹۱۴ در پنج فصل فصل اول ، ترك بعد از جنگ ، مشتمل بر : رفتن از استانبول ، جمهوری آناتولی ، آزادی مذهب ، روی آوردن به تمدن اروپا ، سیاست داخلی ، سیاست خارجی . فصل دوم ، مصر بعد از جنگ جهانی اول مشتمل بر : سلطه انگلیس ، کوششهای اولیه برای حصول آزادی ، زغلول پاشا و حزب وفد ، سلطنت فؤاد ، استقلال مصر . فصل سوم ، عربستان بعد از جنگ جهانی اول ، مشتمل بر : امرا و سلاطین عربستان ، شریف حسین مکه ، عربستان سعودی . فصل چهارم ، سوریه و فلسطین و اردن و عراق مشتمل بر : احساسات ملی سوریه ، قیمومت فرانسه در سوریه ، مشکل فلسطین ، مسأله اردن ، عراق تحت الحمايه انگلیس . فصل پنجم ، ایران و افغانستان ، مشتمل بر : سقوط سلسله قاجاریه ، رضاشاه پهلوی پادشاه جدید ایران ، افغانستان و بالاخره حوادثی که از سال ۱۹۳۹ تا ۱۹۴۸ صورت گرفت به قلم پرلمان مشتمل بر : ترکیه ، اتحاد عرب ، مصر ، عربستان ، عراق ، سوریه و لبنان ، فلسطین ، ایران ، یمن .

چنانکه ملاحظه گردید مؤلف تحلیلی دقیق و کافی کرده و ارزش و اهمیت مطالب کتاب قابل انکار نیست و به راستی در خور ترجمه به زبان فارسی بوده است همچنانکه خیلی پیش به زبان عربی نیز ترجمه شده ، ولی بهتر است هر کتابی - خصوصاً این قبیل کتب که نقل مطالب آنها دقت بیشتری می خواهد - از زبان اصلی ترجمه گردد ، چه ، بدون تردید کتابی که نخست از زبان

و ادبیات عثمانی ، علم جغرافیا ، ادبیات و شعر و شاعری ، وضع خارجیان . فصل سوم ، طلوع امپراطوری جدید ایران و رقیب عثمانی ها ، مشتمل بر : دولت روحانی ایرانی تازمان سلطان اسماعیل ، رسمی شدن مذهب تشیع در ایران ، به زانو در آوردن ازبکان در خراسان ، شاه عباس کبیر و جانشینان وی . فصل چهارم ، انحطاط دولت عثمانی تا اواخر قرن هجدهم ، مشتمل بر : اولین شکستهای خارجی ، انقلابات داخلی ، اصلاحات کوپرولو ، آخرین جنگهای اروپایی ، آخرین جنگهای عثمانی در ایران ، جنگ روس و عثمانی .

قسمت چهارم ، اسلام در قرن نوزدهم ، در پنج فصل فصل اول ، امپراطوری عثمانی و مصر در قرن نوزدهم ، مشتمل بر : عدم پیشرفت اصلاحات به سبک فرانسه در عثمانی ، تفوق محمدعلی بر سلطان ، فتح سوریه به وسیله ابراهیم ، محمدعلی و وهابی های عربستان ، پیمان سلطان و محمد علی دایز بر جدال با وهابیه ، رهبری وهابیه در عهد سعود ، اصلاحات عثمانی به سبک انگلیس و آلمان و عدم پیشرفت آن ، شکست ترکان در نصیبین ، ممانعت انگلیس از آزادی مصر ، تجزیه کشور عثمانی به وسیله دول اروپایی ، اسماعیل خدیو مصر و اطاعت از دودستگاه ، ترکیه دست نشانده اروپا ، مصر و انگلیس ، نهضت اتحاد و ترقی در عثمانی ، انقراض امپراطوری عثمانی . فصل دوم ، زندگانی معنوی در امپراطوری عثمانی و مصر در قرن نوزدهم ، مشتمل بر : جنبه ملی ادبیات ترك ، کوشش در راه خالص نمودن فرهنگ ترك ، جنبه کلاسیک ادبیات مصر . فصل سوم ، افریقای شمالی در قرن نوزدهم ، مشتمل بر : تصرف الجزایر ، تسخیر تونس به وسیله فرانسویان ، شریفهای مراکش ، عبدالکریم قهرمان استقلال مراکش ، زندگانی معنوی در افریقای شمالی . فصل چهارم ، سودان در قرن نوزدهم مشتمل بر : جانشین عبدالله ، دسته های مذهبی افریقای

دعا باید چنین بگوید «نه خواندن این دعا بین ایشان مرسوم است»^(۱).
ص ۱۴ س ۲۰ متن فارسی جمله:

Mais au début de notre période historique .

«ولی در ادبانی که از این تاریخ آغاز می‌شود» ترجمه شده، در صورتیکه
ترجمه آن چنین است: «ولی در آغاز دوران تاریخی ما (اسلام)»^(۲).
ص ۲۵ س ۱۶ متن فارسی، این جمله

Le principal devoir des croyants par l'exercice duquel ils se
confessaient à la communauté, était la prière,...

چنین ترجمه شده: «وظیفه و تکلیف اصلی مسلمانان که می‌بایستی به اجتماع
اجرا کنند نماز بوده» در صورتیکه ترجمه صحیح آن اینست: «وظیفه اساسی
مؤمنان که با اجرای آن [ایمان] خود را به جامعه مذهبی ابراز می‌داشتند نماز
بود»^(۳).

ص ۲۸ س ۲۰ «شهری که مسکن ایشان بوده هنوز یثرب نام داشت
و بعدها به مدینه رسول الله مشهور گشت. حجاز شمالی در دشتی پر آب نزدیک
سلسله کوهی که نجد و تهامه را از یکدیگر جدا می‌کند، قرار داشت» ترجمه
صحیح این عبارت به فارسی اینست: «شهر ایشان که هنوز یثرب نامیده می‌شد

(۱) ترجمه عربی، ص ۱۸ س ۳: «ولاتزال بعض الاحادیث تسمع للعربی
الداخل فی الاسلام ان یقول فی دعائه: «اللهم...».

(۲) ترجمه عربی، ص ۲۶ س ۲۱: حتی اذا اوشک فجر الاسلام ان
ییزغ...»

(۳) ترجمه عربی، ص ۳۸ س ۱۹: «کان واجب المؤمنین الرئیسی،
الذی یعلنون بواسطته انتماءهم الی الجماعة الجدیة، الصلوة...»

اصلی به زبان دیگری ترجمه شود و آنگاه از زبان دوم به زبان ثالثی برگردانده گردد نمی تواند دقیقاً آنچه را که منظور و مراد نویسنده بوده القا نماید. متأسفانه کتاب حاضر به جای آنکه از اصل آلمانی به فارسی برگردانده شود، چنانکه در مقدمه (ص ۱۶) آمده، از متن فرانسوی ترجمه شده است. متن فارسی کتاب ظاهر آروان و یکدست و خالی از نقص به نظر می رسد ولی با مقایسه ای که بین سه فصل اول متن فارسی و متن فرانسوی و عربی و مواردی از صفحات دیگر به عمل آمد نکته ها و موارد بسیاری به نظر رسید که ذیلاً به اهم آنها اشاره می گردد و باقی را بر همین قیاس توان کرد.

عدم دقت در ترجمه: در سطر ۱۲ از صفحه ۲ طول دریاچه مورد بحث هشت هزار متر نوشته شده در صورتیکه در متن فرانسه (ص ۱۲) $1\frac{1}{4}$ کیلومتر است. (۱) در ص ۵ س ۸ (ص ۱۳ فرانسوی) ترکیب:

Al'instigation de Bizance

به تقلید بیزانس ترجمه شده و حال آنکه به «تخریک» بیزانس باید ترجمه شود (۲). ص ۶ س ۱۷ (ص ۱۴ فرانسوی): ترجمه جمله فرانسوی:

Une tradition fait dire à un Arab en prière

به نظر می رسد چنین باشد: «به روایت یک حدیث یک عرب در ضمن

(۱) کارل بروکلیمان (ترجمه عربی): تاریخ الشعوب الاسلامیة، نقله الی العربی: نیبه امین فارس و منیر البعلبکی، الطبعة الرابعة، بیروت، ۱۹۶۵، صفحه ۱۴ سطر ۱۴ - ۱۵: «... یبلغ طواها الفا و مئتين و خمسين مترا.»

(۲) (ترجمه عربی)، ص ۱۶ س ۲۰: «... سار الحاکم الحبشی

ابرهة بتحریر من یزینطة التي...»

Cette fête de Ka'ba au mois de Rajab a manifestement été rattachée avec celle du Hajj, du mois de dhoûlhijja, dernier mois de l'année qui n'était primitivement calculée que pour le mont 'Arafat.

ترجمه آن اینست : این جشن ماه رجب کعبه آشکارا به جشن حج ماه ذوالحجه ملحق شده بود ، ماه ذوالحجه آخرین ماه سال است و جشن حج آن در ابتدا فقط به کوه عرفات اختصاص داشت. ^(۱)

ص ۶۲ س ۷ : « موی خود را که در ایام حج تیغ به آن نرسیده است » به جای : « موی خود را که در ایام حج حق تیغ انداختن آنرا نداشته اند. » ^(۲)
 ص ۶۳ س ۴ و ۳ : « ... نیز جایز است با ... و نیز با زرتشتیان که در زمرة اهل کتاب در آمده اند معاهده صلح بسته شود ولی آنرا ملغی نمی کنند » ترجمه صحیح چنین می شود : « ... این معاهده هافقط شرایط جهاد را تغییر می دهد ولی هرگز آنرا از میان نمی برد. » ^(۳)

ص ۱۴۹ س ۴ : « عبداللہ بن عباس » نوشته شده که مراد « ابوالعباس عبداللہ » است چنانکه در متن فرانسه آمده و مقصود از این شخص ، ابوالعباس

(۱) ترجمه عربی ، ص ۷۷ س ۳ : « ولقد اضیف هذا الحج الى الكعبة في شهر رجب ، قبل محمد بزمان طويل ، على ما يظهر ، الى الحج في شهر ذي الحجة (آخر اشهر السنة) الذي كان في الاصل مقتصراً على الاجتماع في عرفات . »

(۲) ترجمه عربی . ص ۷۷ س ۲۲ : « و يقصون شعورهم التي لم يكن جائزاً ان تقربها الموسى خلال الفترة المقدسة . »

(۳) ترجمه عربی . ص ۷۹ س ۸ : « ولكن امثال هذه العقود والمعاهدات

الما ترجمیه واجب الجهاد ، ولاتنسخه . »

و بعداً مدینه رسول الله (شهر پیغمبر خدا) نام گرفت در دشتی پر آب از حجاز شمالی نزدیک سلسله کوهی که نجد را از تهامه جدا می کند قرار داشت»^(۱).

ص ۲۳ س ۵ آخر (ص ۲۸ فرانسوی): «یهودیان غلط و مسیحیان در روزه چهل ... صحیح است»^(۲).

ص ۵۰ س اول «سالهای آخر زندگانی پیغمبر به جای آخرین سال زندگانی پیغمبر ترجمه شده .

ص ۶۰ س ۲: جمله «حتی در گرمترین ایام تابستان باید احرام بپوشد... به علاوه باید کفش چوبی بپوشد سر برهنه باشد» ترجمه درستی نیست صحیح آن اینست:

«به علاوه پوشیدن سندل مجاز است ولی سرحتی در شدیدترین حرارت تابستان باید برهنه باشد»^(۳).

ص ۶۱ س ۷: عبارت فرانسوی زیر چنین ترجمه شده است: « این اعمال قبل از اسلام در ماه رجب صورت می گرفت و جزء مراسم زیارت کعبه محسوب می شد ولی بعد به ذیحجه اختصاص یافت. سابق ترتیب آن طوری داده شده بود، که هنگام اجتماع در عرفات اجرا می گردید. »

(۱) ترجمه عربی ، ص ۴۲ س ۱۱ : « وانما تقع بلدتهم ، التي كانت حتى الحين تعرف بـ « يثرب » لا بـ « المدينة » (مدینه رسول الله) كما دعيت بعد ، في سهل و افراميه شمالي الحجاز ، قرب سلسله الجبال التي تفصل نجداً عن تهامه . »
(۲) ترجمه عربی ، ص ۴۸ س ۷ : « يكتفى النصارى بمجرد الاستماع عن اكل اللحم خلال صومهم الكبير » .

(۳) ترجمه عربی ، ص ۷۵ س ۱۸ : « ولا يجوز ان يضاف الى ذلك غير نعل للرجل . اما الراس فيتعين ان يظل حاسراً حتى في قيظ الصيف ولهيبه . »

ص ۱۵۰ س ۱۵ : « ابراهیم بن محمد » چنانکه در متن فرانسوی آمده غلط و صحیح آن « ابراهیم برادر محمد » است یعنی ابراهیم بن عبدالله بن حسن بن حسن، برادر محمد معروف به نفس زکیه . (تاریخ اسلام . فیاض . ص ۲۰۸)^(۱)

ص ۱۱۶ س ۱۷ : « و بعدها این دوشهر (بخارا و سمرقند دو حصار محکم این مذهب در آسیای صغیر (کذا) شدند که « آسیای صغیر » چنانکه در متن فرانسوی آمده غلط و صحیح آن « آسیای مرکزی » است .^(۲)

ص ۳۷۲ س ۷۱ : « وی قسمتی از ایل را ... به آسیای مرکزی برد و به خدمت علاءالدین دوم سلطان سلجوقی قونیه درآمد . » که صحیح آن « ... آسیای صغیر ... » است .^(۳) اشتباه از متن فرانسوی است .

ص ۴۸۶ س ۲۱ : « پس از وی محمد علی به فتوای روحانیون الدرمز (کذا) که از قرون متبادی به عنوان بزرگترین جامعه مذهبی (کذا) در دنیای اسلام شناخته شده بوده . » صحیح آن اینست « ... به فتوای روحانیون جامع (= مسجد جمعه) الازهر که از قرون متبادی به عنوان بزرگترین دانشگاه مذهبی در دنیای اسلام شناخته شده بوده ... »^(۴)

ص ۵۱۵ س ۱۴ : « در این جشن اسماعیل عنان هوسهای ... را صحیح

(۱) ترجمه عربی ، ص ۱۷۷ س ۲۱ .

(۲) ترجمه عربی ، ص ۱۳۸ س ۹ .

(۳) ترجمه عربی ، ص ۴۰۸ س ۲ .

(۴) ترجمه عربی ، ص ۵۴۴ س ۴ : « ... اذ مالیت محمد علی ان اعلن

نفسه ، بواسطة علماء الازهر فی القاهرة ، صاحب السلطان الشرعی ، وکان الازهر قد انتهی ، منذ قرون ، الی ان یصبح مثابة الشرع والفقہ ، فی نظر العالم الاسلامی .»

عبدالله بن محمد بن علی بن عبدالله بن عباس بن عبدالمطلب ، خلیفه اول عباسی است . (رجوع کنید به : تاریخ اسلام ، دکتر فیاض ، چاپ دانشگاه ، چاپ دوم ، ص ۲۰۴) (۱) .

ص ۱۴۹ س ۶ : باتوجه به متن فرانسوی و متن خطبه عبدالله بن محمد عنوانی که در تاریخ به او داده شده است « سفاح » (خونریز) می باشد نه « منقرض کننده خاندان سفاک بنی امیه » که در متن ترجمه فارسی آمده است . آن قسمت از خطبه عبدالله سفاح که موجب گردیده چنین لقبی به او بدهند چنین است : « ... فاستعدوا فانألسفاح المبیح والثأر المیر... » (رک : تاریخ اسلام ، دکتر فیاض . ص ۲۰۴) (۲)

ص ۱۴۹ س ۱۵ : « منصور وی را زبردست برادر خود گذاشت » در این جمله منصور غلط و صحیح آن « سفاح » است بدینصورت « سفاح وی را (= ابومسلم را) زبردست برادر خود (= منصور) گذاشت » (۳) .

ص ۱۵۰ س ۷ : « ازاحفاد حسین » غلط است . صحیح آن « از احفاد حسن » می باشد و مقصود از این شخص محمد بن عبدالله بن حسن بن حسن معروف به المهدی و نفس زکیه است که در سال ۱۴۵ هجری در مدینه به دست حمید بن قحطبه سر لشکر عیسی بن موسی عباسی (سردار و ولیعهد خلیفه عباسی) کشته شده (رک : تاریخ اسلام دکتر فیاض ، ص ۲۰۸) (۴) .

(۱) ترجمه عربی ، ص ۱۷۵ س ۲ .

(۲) ترجمه عربی ، ص ۱۷۵ س ۳ : « ... و من هنا خلد ذكره فی التاريخ بوصفه - فی المحل الاول - سبيد الامويين ، و انما عرف بالسفاح ... »

(۳) ترجمه عربی ، ص ۱۷۶ س ۴ : « ولكن السفاح اخضعه لامرة اخيه (المنصور) » .

(۴) ترجمه عربی ، ص ۱۷۶ س ۲۲ .

ص ۵۲ سطر ۸: «... این دو خلاق و خوی متضاد». کلمه «متضاد»

در متن فرانسوی وجود ندارد.

ص ۵۵ س ۶: بعد از «... در برابر الله قبول کند» شش سطر از

متن فرانسوی ترجمه نشده است. (صفحه ۴۱ متن فرانسوی)

ص ۵۹ س ۱۰: «پیغمبر به سبک سلاطین بر آن می‌نشسته است».

کلمه «شرقی» پس از سلاطین حذف شده است جمله باید چنین باشد: «...»

به سبک سلاطین شرقی بر آن می‌نشسته است»^(۱)

ص ۵۹ س ۱۴: «روزه سومین فریضه اسلام و عبارت است از خودداری

از خوردن و آشامیدن و حتی استعمال عطر...»

بعد از کلمه «آشامیدن» و تمام تمتعات مادی دیگر» از ترجمه حذف

شده است «ترجمه کامل چنین است:

«روزه سومین فریضه اسلام و عبارت است از خودداری از خوردن

و آشامیدن و تمام تمتعات مادی دیگر حتی استعمال عطر...»^(۲)

ص ۵۸ س آخر و ص ۵۹ س اول:

«... در ایران و هندوستان برجهای مخابراتی «استامبا» می‌باشد.

برجهای اخیر مظهر خدائی بوده است که نخستین بار در دوره سلاطین عثمانی و

در آسیای صغیر بوده که...»

صحیح این عبارت چنین است:

(۱) ترجمه عربی. ص ۷۴ س ۲۱.

(۲) ترجمه عربی. ص ۷۵ س ۲: «وثالث الواجبات الدينية الرئيسية

الصوم، ای الامتناع عن الطعام والشراب وجميع المتع الاخرى، كالروائح الزكية

مثلاً».

است نه « ابراهیم »^(۱).

ص ۳۵۴ (ص ۲۱۴ فرانسوی): عنوان « ایران در زمان غازان خان »
به صورت « غازان و وزیرش رشیدالدین » ترجمه شده است .

ص ۶۰ س ۱۵ : « این سنگ قطعاً یکی از بت‌های بزرگ ... » باید
ترجمه شود « این سنگ احتمالاً یکی از بت‌های بزرگ ... »^(۲).

ص ۶۰ س ۱۶ : « زیرا از این سنگ‌های مقدس به وضع و حال دیگر
نزد اقوام ساسانی دیده می‌شود » در متن فرانسوی ترکیب « به وضع و حال دیگر »
وجود ندارد.^(۳)

ص ۵۸ س ۱۳ : « مجموع الفاظ و حرکات را رکعت می‌نامند که در
هر نماز احتمالاً دو دفعه تکرار می‌شود » به جای « مجموع الفاظ ... » که در هر نماز
لا اقل دو دفعه تکرار می‌شود^(۴).

حذف واسقاط و تحریف

ص ۲۲ س ۱۴ (ص ۲۲ فرانسوی) : این عبارت فرانسوی

Mais dans les premières années de son activité de prédicateur,
il a dû reconn aître aussi les trois deesses de la ka'ba consid-
érées comme les filles d'Allah par ses contempains.
حذف شده است.

(۱) ترجمه عربی ، ص ۵۷۷ س ۱۲ : « ... اطلق فيه اسماعيل العنان

لنزعتة ... »

(۲) ترجمه عربی ، ص ۷۶ س ۱۲ : « ... لعل هذا الحجر اقدم الاوثان

التي عرفتها ... »

(۳) ترجمه عربی ، ص ۷۶ س ۱۲ .

(۴) ترجمه عربی ، ص ۷۴ س ۲ : « و يجب ان تكرر مرتين على الاقل

في كل صلاة » .

ص ۱۵ و ۱۶ : مؤلف کتاب (بروکلان) به مناسبتی استناد به چندبیت از امرؤالقیس کرده و مضمون و معنای این ابیات را در متن آورده است . در متن فرانسوی معانی ابیات به فرانسوی نقل شده است ولی مترجم فارسی به جای پیروی از روش مترجم فرانسوی ، عین ابیات مورد استناد را با چندبیت بر آنچه در متن فرانسوی آمده ، به زبان عربی و بدون ترجمه آنها به فارسی آورده است . بهتر بود با پیروی از متن فرانسوی ، ماحصل ابیات یا لا اقل ترجمه آنها را به فارسی نقل می کرد .

همچنین بسیاری از کلمات و جملاتی که بین گیومه قرار گرفته در متن فرانسوی وجود ندارد و ظاهراً مترجم آنها را برای توضیح بیشتر شخصاً اضافه کرده است شاید هم از ترجمه یا مأخذ دیگری استفاده نموده باشد ، بهر حال بهتر بود مترجم روش کار خود را معین می کرد تا جملات اضافی ایشان با جملات بین گیومه ای که در متن اصلی وجود دارد اشتباه نشود ؛ به عنوان مثال به چند مورد از این نوع اضافات اشاره می گردد :

ص ۵۲ س ۹ : « معاهدة حدیبیه »

ص ۵۲ س ۱۱ : « پیغمبری و سیاستمداری »

ص ۵۲ س ۱۶ : « گذشته از اینکه جزم صالح عالی دین در اعمال خود

حرک باطنی دیگر نداشته است »

اشتباهات در ضبط اعلام جغرافیائی و تاریخی و اصطلاحات مختلف

ص ۴ سطر ۱۷ (ص ۱۳ فرانسه) کلمه « Les sabéens » ، « صابین »

ترجمه شد و حال آنکه منظور « سبائیا » است منسوب به شهر « سبا » .^(۱)

(۱) ترجمه عربی ، ص ۱۶ س ۷ : « . . . و عقبتهم سبا فانشاوا مملکة

تعمد علی الامر الارستوقراطية المتنفذة » .

«... در ایران و هندوستان برجهای راهنمایی و استامپا می باشد که برجهای اخیر مظهر خدائی بوده است. نخستین بار در دوره سلاطین عثمانی و در آسیای صغیر بوده که...»^(۱)

ص ۶۲ س ۱۴: بعد از کلمه «آزادی سازد» عنوان فرعی و اخلاق اجتماعی [پیغمبر] «La morale sociale» حذف شده است.

ص ۶۵ س ۶: بعد از جمله «مثله های دیگری انجام می شد» این جمله حذف شده است: «برای زانی صد ضربه شلاق پیش بینی شده است»^(۲)
ص ۴۷ متن فرانسوی ص ۲۴ س ۲۱:

Comme les aphorismes des kahins païens, ils sont très courts et souvent accompagné d'étranges formules sacramentelles
جمله فرانسوی فوق بدین صورت ترجمه شده است: «... و مانند مواظف کهنه موجز و مؤثر و عبرت انگیز می باشد».

ولی چنانکه ملاحظه می شود ترجمه صحیح و کامل آن چنین است:
«... مانند کلمات قصار کهنه بت پرست خیلی کوتاه بودند و غالباً با شکلهای معین سوگندی و عجیب آغاز می گردیدند.»^(۳)

اضافات و الحاقات مترجم بدون اشاره ای به آنها

ص ۱۰ س ۱۲: ترکیب «یک شازدهم امتعه» در متن فرانسوی نیست.^(۴) معلوم نشد این آمار دقیق را مترجم از کجا نقل کرده اند.

(۱) ترجمه عربی. ص ۷۴ س ۱۱. جمله «که برجهای اخیر مظهر خدائی بوده است» در متن عربی نیست.

(۲) ترجمه عربی، ص ۸۲ س ۹: «و عقوبة الزنا مائة جلدة بالسوط».

(۳) ترجمه عربی، ص ۳۷ س ۱۶: «ثم انها کائنات، کنفثات الکهان

الوثنيين، قصيرة جداً، في العادة، ومقدماً لها بصيغ قسمية غير مأوفة».

(۴) در ترجمه عربی نیز موجود نیست (ص ۲۲ س ۱).

ص ۳۱۶ س ۹: «صلاح الدین فرزند ایوب» نه «صلاح الدین فرزند یعقوب» .

ص ۳۳۱ س ۹: «شهر صفد» نه «سغد» .

ص ۳۳۱ س ۱۰: «قلعه مصیاف» نه «قلعه مصیاد» (رك : دائرة - المعارف فارسی ، ماده حشاشون : ص ۸۵۴) .

ص ۳۲۴ س ۵ و ص ۷۷۸ در فهرست نام جایها : شینزر (باتقدیم زای معجم به رای مهمل) صحیح است نه شینرز (به تقدیم رابرزا) .

ص ۳۵۷ س ۱۱: چنانکه در سطر ۱۳ همین صفحه آمده است خط «رونی» صحیح است نه روی . رونی نام الفبائی است که اقوام ژرمنی از نوعی خط تحریری یونانی اقتباس کردند ... (رك : دائرة المعارف فارسی ، ماده «وون» الفبا ، ص ۱۱۳۸) .

اغلاط چاپی

گرچه بعضی از اغلاط زیر شباهت کمی به غلطهای چاپی دارد در زیر این عنوان آورده شد .

ص ۹ س ۱۲: سنه ۲۸۱ ق . م . غلط است صحیح آن ۶۸۱ ق . م . است .

ص ۱۱ س ۱۵: سنه ۶۲۵ غلط و صحیح آن ۵۲۹ است

ص ۲۰ س ۱۲: کلمه «هوبل» با این املا معمول نیست و خوب بود مانند سایر جاهای همین کتاب به صورت «هبل» نقل می گردید .

ص ۳۲ س ۳: «حیات» غلط و صحیح آن «حیاط» است .

ص ۳۸ س ۱۵: «مسلمانی» غلط ، صحیح آن «سلمان» است .

ص ۴۶ س ۱۵ و ص ۵۰ س ۱۶: «مغیره بن شعبه» و «اسامه بن زید»

ص ۳۶ س ۷: «شکنا کین» به جای «منافقین» بکار رفته است (۱). منظور از منافقین در تاریخ اسلام کسانی هستند که با پیغمبر و اسلام مخالف بودند ولی جرات ابراز نداشتند و در نهان دشمنی می کردند. اینها در قرآن منافقین نامیده شده اند. از این جمله بوده عبدالله بن ابی که به واسطه اسلام، ریاست مدینه را از دست داده بود.

ص ۳۹ س ۱۲: «دوشاهد عینی» غلط و «چهارشاهد عینی» صحیح است. گرچه ممکن است این اشتباه از متن فرانسوی ناشی شده باشد ولی با کمی اطلاع از فقه اسلامی می توان دانست که در مورد زنا چهارشاهد عینی لازم است (۲). ص ۵۰ سطر ۵۴: «نویسندگان شرح حال رسمی» اصطلاحی دوراز ذهن است و شاید منظور «نویسندگان سیره» باشد (۳) چه پیغمبر منشی یا منشیانی که رسماً در استخدام او بوده باشند و شرح حال او را بنویسند نداشته است. ص ۶۰ س ۶: «... باید به زیارت کعبه برود و آن بنائی است شش گوشه».

در متن فرانسوی نیز «شش گوشه» آمده ولی همه می دانند که این بنا چهار گوشه است. در صفحه بیست همین کتاب نیز به چهار گوشه بودن کعبه اشاره شده است. (۴) حق بود اشاره ای از جانب مترجم میشد

(۱) ترجمه عربی، ص ۵۰ س ۲۱.

(۲) ترجمه عربی، ص ۵۴ س ۱۸: «... لایؤیده اربعة شهود عیان یعتبر فربة اوقظفا» يستحق علیه صاحبه مائة جلدة».

(۳) ترجمه عربی، ص ۶۶ س ۱۳: «... حجة الوداع کما تسمى فی کتب السيرة».

(۴) ترجمه عربی، ص ۷۵ س آخر: «... والکعبة بناء یکادیکون مکعب الشكل».

ص ۴۶ س ۷: « برای محمد (ص) در این مدت خیلی به ندرت اتفاق افتاد که برای خونخواهی یا غافلگیری در مورد فرستادن نمایندگان دینی و جمع آوری مالیات آن حضرت مجبور به اعزام سپاه گردد. »
 ص ۶۵ س ۳: « مجازات قتل، اعدام و قتل غیر عمد مصله (کذا) کردن است. » مسلماً این مطلب غلط است چه مجازات قتل غیر عمد در اسلام مثله نیست بلکه کیفر آن پرداخت دیه و غرامت است. (۱)

مطلب دیگر اینکه از صفحه ۱۰۱ به اعدادی به صورت $\frac{1}{۶۸}$ و $\frac{۲}{۶۸}$ و غیره برمی خوریم که مترجم هیچ توضیحی درباره آنها نداده است و ظاهراً این اعداد در متن فرانسوی برای نشان دادن مراجع و مآخذی که مشخصاتشان در آخر کتاب آمده بوده بکار رفته است. مترجم فارسی آن مآخذ و مراجع را نقل نکرده و فقط به آوردن این شماره‌ها اکتفا کرده است. مسلم است که تنها نقل این اعداد متضمن فایده‌ای نخواهد بود.

نیز بجاست گفته شود که مترجمان عربی (نیه امین فارس و منیر البعلبکی) - لاقلاً در چند فصلی که مطالعه و مقایسه گردید - کمال امانت را در ترجمه رعایت نموده و کتاب بروکلان را دور از هرگونه تعصبی به عربی برگردانیده‌اند و هر جا سخن مؤلف را خصمانه و نادرست پنداشته‌اند در حاشیه به آن اشاره نموده و نظر خود یا دانشمندان اسلامی را در آن مورد ذکر کرده‌اند، و بدین ترتیب به ارزش کتاب افزوده‌اند. مضافاً اینکه در پاره‌ای موارد برای مزید فایده، مطالب و نکاتی در حواشی آورده‌اند که به فهم و درک متن بسیار کمک می‌نماید؛ چه خوب بود که مترجم فارسی از این حواشی در ترجمه خود سود می‌جست.

(۱) ترجمه عربی، ص ۸۲ س ۳: « . . . والقتل من غیر تعمد یعوض

عنه بالدية تدفع الى اهل القتل » .

« به جای مغیره بن شعبه » و « اسامة بن زيد » .

ص ۵۲ س ۹ : بعد از کلمه « ممکن است » علامت « ؛ » زائد است .

ص ۵۸ س ۲۱ : « رسد » غلط و صحیح آن « رصد » است .

ص ۵۷ س ۲۰ : « باران کله های شیاطین » به جای « باران کله های

شیاطین » .

ص ۶۵ س ۳ : « مُصله » به جای « مثله » .

ص ۱۵۵ س ۱۹ : « انگیزاسیون » به جای « انکیزسیون » .

ص ۲۹۱ س ۳ : ۱۱۴۵ و ۱۱۴۵ به جای ۱۱۴۹ و ۱۱۴۵ .

ص ۴۹۱ س ۱۴ : « احمد بن حنبل مؤسس آخرین مذهب از مذاهب

چهارگانه سنی ... نه » احمد بن خلیل » .

ص ۴۹۵ س ۴ : « ملکه » به جای « مکه » آمده است .

ص ۶۱ س ۱۱ : « شب قبل » به جای « شب بعد » آمده .

ص ۱۶ س اول : « العراق » غلط است . صحیح آن « العرق » است

(رك : دیوان امرؤالقیس) .

ص ۱۶ س ۶ : « عما قلیل » غلط ، صحیح آن « عما قلیل » است (رك :

دیوان امرؤالقیس ، چاپ بیروت . ص ۷۲) .

ص ۲۹ س ۲۰ : « جرأت نیافت » غلط و « جرأت یافت » صحیح است .

اشتباه دیگری که در این چند فصل دیده شد اینست که دوبار اگراف

در صفحه ۵۴ دنبال هم آمده است که از نظر مفهوم کاملاً یکسان و از لحاظ

بیان و ساختمان جملات اندکی متفاوتند ، شاید اینها یک قسمت از کتاب

بوده که دوبار ترجمه شده است . جملات زیر نیز از سیاق نگارش فارسی بدور

است :